

ششمین همایش جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان

نهاد برگزار کننده همایش: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار

(با همکاری و حمایت معنوی دادگستری بروجرد، دانشگاه امام صادق، انجمن علمی معارف دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه لرستان، آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد رفسنجان، سازمان ارشاد اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه و....)

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۲۹ آذرماه ۱۴۰۲ شماره مقاله: ۲۸/۲۲۵۲۲ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۰۱۱۷

واکاوی راهکارهای مواجهه با پدیده بدحجابی

از دیدگاه امامیه با تأکید بر آموزه‌های فقهی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسن عابدیان کلخوران^۱

سیده سمیه سیدی

چکیده

از گذشته، اندیشمندان اسلامی به دنبال راهکاری برای حفظ پوشش برتر برای بانوان بوده و در برخی موارد راهکارهایی را نیز ارائه داده‌اند اما این راهکارها به صورت علمی و مدون از متون دینی جمع‌آوری نشده است. نبودن راهکاری مناسب برای درمان معضل بدحجابی در پاره‌ای از موارد، جامعه را با چالش جدی مواجه کرده است. بنابراین، با این پرسش روبه‌رو هستیم که: راهکارهای مقابله با معضل بدحجابی از دیدگاه اسلام چیست؟ به نظر می‌رسد که دین اسلام بیانگر راهکارهایی باشد که کاربست آن در کاهش این معضل اجتماعی مؤثر خواهد بود. از این رو، هدف تحقیق حاضر تبیین و واکاوی راهکارهای برون‌رفت از این معضل اجتماعی است. برای این منظور در این مقاله از روش پژوهشی توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. نتایج این تحقیق، نشان می‌دهد که کاربست راهکارهای عملی مقابله با معضل بدحجابی، می‌تواند از آسیب‌های ناشی از آن پیشگیری نماید.

واژگان کلیدی: راهکار؛ پوشش؛ حجاب و اسلام؛ آموزه‌های فقهی



مقدمه

پوشش اسلامی، ترویج‌کننده اخلاق و پاکی و فضیلت در سطح جامعه بوده و از آسیب‌ها و معضلات اجتماعی بسیاری پیشگیری می‌کند. امروزه تهاجم فرهنگی دشمنان از یک‌سو و نداشتن آگاهی لازم و یا غفلت و بی‌توجهی برخی از بانوان به مسئله پوشش اسلامی، نابهنجاری‌های اجتماعی را برای جامعه ایجاد کرده که ریشه بسیاری از اختلافات خانوادگی، طلاق و ... را می‌توان در آن یافت. برخی بر این باورند که دوری از پوشش اسلامی، پیشرفت و توسعه را به دنبال داشته و رعایت آن سبب عقب افتادگی می‌شود در صورتی که امروزه دوری از پوشش، بلایی خانمان‌سوز برای کشورهای غربی شده است. امام خامنه‌ای دام‌ظله فرمودند: یکی از مشکلات زنان در دنیای غرب، به‌خصوص در کشور ایالات متحده آمریکا، همین است که مردان با تکیه به زورمندی خودشان، به عفت زن تعدی و تجاوز می‌کنند. آمار منتشر شده از سوی مقامات رسمی خود آمریکا را من دیدم که یکی مربوط به دادگستری آمریکا و یکی هم مربوط به یک مقام دیگری بود. آمارها واقعاً وحشت‌انگیز است. در هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف در کشور آمریکا صورت می‌گیرد. ببینید چقدر مسأله عفت مهم است و وقتی بی‌اعتنایی کردند، قضیه به کجا می‌رسد. هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف. برخلاف تمایل زن، مرد زورگو، ظالم، بی‌بندوبار و بی‌عفت بتواند به حریم عفت زن تعدی و تجاوز کند. اسلام این‌ها را ملاحظه می‌کند. مسأله حجاب که این همه مورد توجه اسلام است، به خاطر این‌هاست.^۱

^۱ سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، تاریخ ۱۳۷۶/۰۷/۳۰، قابل دسترسی در سایت khamenei.ir.



۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. مفهوم عفت

لغت‌شناسان درباره عفت معانی مختلفی ذکر کرده‌اند از جمله: «روی گردانی از زشتی‌ها» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۹۳/۲). از نظر برخی دیگر عفت به معنی روی گردانی از چیزهایی است که حلال نیستند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۹۲/۱). یا به معنی نگه داشتن نفس از چیزهای حرام است (طریحی، ۱۳۷۰، ۲۰۸/۳) ابن منظور در معنای عفت گفته است: «روی گردانی از چیزی که حلال و زیبا نیست یا روی گردانی از محرمات و خواسته‌های پست» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۵۳/۹). در کتاب دیگری آمده است: «مفهوم عفت بر کمی چیزی نیز دلالت می‌کند» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۹۳/۲). راغب می‌گوید: «بسنده کردن در گرفتن یا خوردن چیز اندکی که آن اندک خود در حکم باقی مانده چیزی است» (راغب، ۱۴۱۴: ۵۷۳). از همه معانی که ذکر شد نکاتی به دست می‌آید مانند ماهیت عفت، خودداری و روی گردانی است. متعلق عفت، بازداری از چیزهای زشت، حرام و خواسته‌های پست است.

۲-۱. مفهوم حجاب

حجاب از نظر لغت‌شناسان به معنای پوشش، آنچه به وسیله آن خود را می‌پوشانند و نیز به معنای حائل میان دو چیز آمده است. (فیروزآبادی، ۱۳۰۶، ۱: ۱۷۹) استاد مطهری در توصیف معنای حجاب می‌نویسد: «کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده و حاجب. بیشتر استعمال آن به معنای پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب نظر اهل لغت، هر پوششی حجاب نیست. آن پوششی حجاب است که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.» (مطهری، ۱۳۷۶: ۶۳)



۲. حجاب از منظر فقه اسلامی

معنای فقهی، از آنجایی که در آیات و روایات مربوطه لغت حجاب به کار نرفته است آنچه نزد فقها در بحث کتاب الصلوة و کتاب النکاح رواج داشته، واژه «ستر و ساتر» به معنای «پوشش و وسیله پوشش زن در مقابل نامحرم» است. «مستورات» به معنای زنانی هستند که دارای پوشش و ستر هستند (احصائی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۷۲). به نظر می‌رسد بهترین واژه برای رساندن مفهوم حجاب همین واژه «ستر» باشد که هم می‌تواند پوشش در عمل و هم به معنای پوشش در ظاهر باشد و رعایت حجاب در فقه، نه فقط درباره پوشش ظاهری و پوشش اندام، بلکه درباره تمامی اعضا و جوارح، مانند چشم و گوش ضروری دانسته شده است. در مباحث آتی به طور کامل به بررسی در این موارد خواهیم پرداخت.

دلیل اصلی فقها بر ضرورت حجاب برای زنان نصوص صریح کتاب الهی است که به بیان مهم‌ترین آیات وارد در این باب می‌پردازیم:

۱. خداوند در آیه ۳۰ سوره نور نخست به مردان مسلمان و سپس در آیه بعد (۳۱) به زنان مسلمان فرمان می‌دهد از نگاه خیره به یکدیگر و چشم‌چرانی اجتناب کنند و در رعایت پوشش بدن از نامحرم کوشا باشند:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ (نور: ۳۰-۳۱).

در کتاب کافی در شأن نزول نخستین آیه از آیات فوق، از امام باقر ۷ چنین نقل شده است:

جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد و در آن روز زنان مقنعه خود را در پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و طبعاً گردن و مقداری از سینه آن‌ها نمایان می‌شد. چهره آن زن، نظر آن جوان را



به خود جلب کرد، و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که زن گذشت، جوان همچنان با چشمان خود او را بدرقه می‌کرد، در حالی که راه خود را ادامه می‌داد تا اینکه وارد کوچه تنگی شد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه می‌کرد، ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوانی که در دیوار بود صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت، جوان به خود آمد، دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه اش ریخته است! سخت ناراحت شد و با خود گفت: به خدا سوگند من خدمت پیامبر ۹ می‌روم و این ماجرا را بازگو می‌کنم، هنگامی که چشم رسول خدا ۹ به او افتاد، فرمود چه شده است؟ جوان ماجرا را نقل کرد. در این هنگام جبرئیل پیک وحی خدا، نازل شد و آیه فوق را آورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۶۶)

۲. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَذْنٰى أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (احزاب: ۵۹).

ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «جلباب‌ها [روسی‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

۲-۱. مفهوم عفاف جنسی در فقه

اسلام در حمایت از شخصیت انسانی و معنوی زن و مرد، دستورهای حکیمانه‌ای را مبتنی بر لزوم رعایت عفت در ابعاد گوناگون صادر نموده است. عفاف از دیدگاه اسلام، تنها به زنان اختصاص نداشته و شامل مردان نیز می‌شود، منتها مرد به دلیل توانایی و برتری جسمانی، گاه می‌تواند به گونه ای ظالمانه، بر خلاف تمایل زن رفتار نماید. به همین دلیل روی عفت زن بیش از مرد تکیه و احتیاط شده است. دین مبین اسلام برای ارضای درست غریزه جنسی و پیشگیری از انحراف آن، ازدواج را مطرح کرده و آن را راهی برای پاکدامنی فردی و اجتماعی می‌داند. البته افرادی که



به هر دلیلی توانایی ازدواج و ارضای صحیح غریزه جنسی را ندارند، باید در محدوده عفاف حرکت کرده و مجاز به پرده‌داری و آلودگی دامن نیستند. قرآن کریم می‌فرماید:

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور: ۳۳).

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند.

برخی ممکن است تصور کنند که در صورت فراهم نبودن شرایط ازدواج و عدم امکان درست ارضای غریزه جنسی، آلودگی جنسی برای آنها مجاز است، و ضرورت چنین ایجاب می‌کند که آتش شهوت را از راه‌های نادرست و زیرپا گذاشتن عنصر عفت، خاموش کنند اما پیشنهاد اسلام برای مسلمانانی که توان ازدواج ندارند، عفت‌پیشگی است. عفت جنسی از دیدگاه اسلام دارای زوایای گوناگونی است:

۲-۲. آیات الاحکام حجاب

آیاتی از قرآن کریم لزوم حجاب را بیان کرده است. قرآن در این آیات تمایل به پوشیده‌بودن را از امور فطری و درونی هر انسان می‌داند که در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، خداوند شبهه اختصاص حجاب را به زنان نه تنها مرتفع نموده بلکه با صراحت به لزوم «غض بصر» در مورد مردان در آیه ۳۰ مقرر می‌دارد «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» یعنی به مردان با ایمان بگو دیده از نامحرم‌ان فرو کنند و پاک دامنی خود را حفظ کنند. در این آیه اول از همه «غض بصر» اشاره شده است. حال در اینکه «غض بصر» چیست؟ و «غض بصر» از چه چیز لازم است؟ بسیاری از فقها و مفسران، «غض بصر» را به معنای چشم‌پوشی و نگاه‌نکردن دانسته‌اند. با این حال در این که آیا «چشم‌پوشی» از «همه چیز» لازم است؟ یعنی مردان به طور کلی نباید به زنان نگاه کنند و زنان نیز نباید به مردان نگاه کنند؟ مساله‌ای قابل تأمل بوده و از این حیث برخی بر این عقیده اند که چون در آیه ۳۱ سوره نور متعلق دستور در خصوص



غض بصر ذکر نشده است، بنابراین «همین عدم ذکر، شاهدهی بر تعمیم است و مقصود آیه نگاه نکردن به نامحرم، آن هم به هرنوع نگاهی و به هر عضوی است.» (محقق داماد، ۱۴۰۵: ۲۵)

در مقابل عده‌ای دیگر بر این قولند: «که در این آیه قرینه‌ای که بتوان متعلق تکلیف را مشخص نمود، وجود ندارد و آیه قرآن از این نظر مجمل است.» (نراقی، ۱۴۱۹، ج ۱۶: ۴۳)

با این وصف، به نظر شاید بتوان گفت که به منزله نهی از نگاه می‌تواند، به منزله نهی از «نگاه به عورت» دیگران، یا «نگاه توأم با تلذذ» یا «نگاه به آنچه که دیگران باید بپوشانند» باشد که هیچ‌یک از این احتمالات به صراحت قابل ارتباط به حکم آیه نمی‌باشد و مقصود از «غض بصر» در آیه به وضوح دلالت از عدم نگاه کردن به چیز خاصی ندارد. برخی نیز با وحدت ملاک از حکم آمده در آیه ۱۹ از سوره لقمان که در آن بیان شده «وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» یعنی «صدایت را کاهش بده» در باب «غض بصر» قائلند به این که فروگاستن از نگاه به معنی خیره‌نشدن و تماشانکردن، است و براین اساس در آیه با عبارت «لِيَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ» از مردان خواسته شده که نگاه خود را کاهش داده و خیره نشوند و از دقت به اشخاص پرهیز کنند و گفته شده است که قبول این تفسیر از آیه به معنای آن است که متعلق نگاه، «چهره» می‌باشد (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۴۱) چه به غیر از آن لزومی به قید «غض بصر» وجود نداشت؛ زیرا نگاه کردن به اندام دیگر زن، غیر از چهره حتی با نظر غیر خیره و بدون چشم‌چرانی هم جایز نیست. در مقابل عده‌ای گفته‌اند که حاصل از معنای آیه چنین است که چشمان‌تان را از عورت دیگران برگیرید و عورت خود را نیز بپوشانید (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ج ۱۱: ۳۵) اگر بپذیریم که مقصود آیه، فروبستن چشم از عورت باشد، شاید برداشت این معنا از آیه در لزوم چشم بر هم نهادن مصداق پیدا کند، چه این که برای چشم پوشی کامل از عورت دیگران باید چشم را کاملاً برهم نهاده با این وجود، اکثر مفسران بر این عقیده‌اند که نگاه به دامان دیگران و نیز تمامی بدن زن نامحرم به جز دست و صورت هدف از ذکر «غض بصر» بوده است و لذا متعلق «غض بصر» محرمات الهی است؛ یعنی مردان باید چشم‌های خود را از آن چه که محرمات الهی بر آن صدق می‌کند، برگیرند



(طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۴۲۸). خداوند در ادامه آیه به دستور دیگری نیز با عبارت «یحفظوا فروجهم» تصریح دارد و بر این اساس به نظر حکم خداوند از باب امر و عمل به آن واجب و لازم است. حال در این که مراد از حفظ دامن در آید چه می باشد اتفاقی وجود ندارد. بدین توضیح که برخی حفظ دامن را به معنای حفظ از زنا و فحشاء معنا کرده اند و گفته اند که باید برای جلوگیری از این امور را از نگاه دیگران محفوظ نگاه داشت. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹: ۳۳۴) برخی هم بر این عقیده اند که هر دو مفهوم یعنی حفظ از نگاه و حفظ از فحشاء از حکم آیه قابل استنباط است و خداوند به هر دو مفهوم در آیه نظر داشته است. لازم به ذکر است که حفظ فروج در آیه قابل اطلاق به هر یک از زنان و مردان است و این اطلاق به ضمیمه قسمت اخیر آیه مفید در این اطلاق می باشد؛ چه این که خداوند ضرورت کنترل نگاه و پوشیدن دامن را موجب طهارت و پاکیزگی روح و روان می داند و بدیهی است که هریک از این امور که موجب تزکیه است، در مورد زنان و مردان صدق خواهد کرد. (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱۸: ۲۱۴) مضاف بر این آیه، اشاره به «لایبیدن زینتهن» نیز شده است، یعنی آرایش و زیور زنان نباید آشکار شود حالا در این که مراد از زینت چیست؟ به نظر وفاقی وجود ندارد و چه این که برخی آن را به لباس معنا کرده و گفته اند که زنان نباید لباس های خود را که نوعی زینت آنان است آشکار کنند مگر لباس های بیرونی خود (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۴۲۹) برخی هم زینت را به مو، چهره، دست ها و نیز زینت های مصنوعی مثل گردنبند و سرمه تعمیم داده اند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۱۰) و عده ای هم زینت ظاهر را وجه و کفین و انگشتر دانسته اند (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱۸: ۲۱۶) شایان ذکر است که مقصود از پوشاندن زینت در آیه منصرف در زینت هایی است که در به عمد آشکار و ظاهر شده و این حکم قابل تعمیم به زینت هایی نیست که قهراً آشکار شده و قصد و عمدی در آشکار شدن آن ها وجود نداشته است. آیه در ادامه می افزاید که زنان باید خمارهای خود را بر گریبان خویش قرار دهند. پس به پوشاندن گردن و سینه برای زنان در آیه با عبارت «لیضربن بخرهن» تکلیف شده است. یعنی از مقنعه و روسری، به گونه ای باید استفاده کنند که گردن آنها نیز پوشیده شود و از این نظر اگر چه بین گردن و بقیه بدن، تفاوتی وجود ندارد، لیکن آن چه از این دستور ناشی می شود



این که چهره زنان از دایره پوشش خارج است و به رغم آن که مصداق زینت ظاهری است، ضرورتی در پوشاندن آن وجود ندارد (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۱۱) علاوه بر آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، همچنین در آیه ۳۲ از سوره احزاب خداوند در خطاب به زنان پیامبر ۹ حدود روابط زن و مرد را تعیین می‌فرماید:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (احزاب: ۳۲).

در این آیه زنان پیامبر ۹ به حفظ حریم در روابط با نامحرم توصیه و از سوی دیگر همه زنان با ایمان به پوشانیدن بدن ملزم شده‌اند.

۳-۲. فقه‌الحديث حجاب

از ملاحظه بسیاری از روایات حکم بر لزوم پوشش زنان و رعایت آن قابل استنباط است و از این حیث، می‌توان حکم حجاب را یک تاکید سفارش شده از سوی بزرگان دین دانست، چنان که از فضل بن سيار نقل گردیده گفته است:

۱. از امام صادق ۷ سوال کردم، آیا آرنج‌های دست زن، بخشی از زینت اوست که خداوند در قرآن فرموده: زنان زینت خود را آشکار نکنند، مگر برای شوهران‌شان؟ فرمود: بله. و تمام بدن زن غیر از صورت و دست‌ها تا مچ، از زینت او محسوب می‌شود که باید از نامحرم پوشیده شود. (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۵۲۰)

۲. امام صادق ۷ فرمود: بر دختری که به سن بلوغ می‌رسد، روزه و حجاب واجب است. (حر عاملی، ۱۳۶۴، ج ۴: ۴۰۹)



۳. در روایتی از رسول خدا ۹ درباره عذاب زنان گناهکار در روز قیامت نقل شده حضرت فرمودند: «زنی که به موی سرش آویزان بود به این دلیل بود که مویش را از نامحرم نمی پوشاند.» (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۰: ۲۴۷)

۴. امام صادق ۷ فرمود: «برای زن مسلمان صحیح نیست روسری و پیراهنش به گونه ای باشد که او را نپوشاند. (نوری، بی تا، ج ۱۴: ۲۵۵)

۵. حضرت علی ۷ نیز با تاکید بر لزوم پوشش از سوی زنان فرموده اند: «به راستی که زن، شادی بخش زندگی است، هر کس که او را به همسری گرفت باید بیوشاندش.»

با وجود این، یاد آور می شویم که ملاحظه بسیاری دیگر از روایات مفید در این معناست که حجاب تنها به نحوه پوشش زن اختصاص ندارد، بلکه علاوه بر آن، گفتار، رفتار، نگاه و... نیز مداخل در حکم حجاب می باشند. پس همان طور که در آیات قرآن به حفظ حجاب در انواع آن توصیه شده به همان نحو هم بزرگان دین حجاب را دستوری عام دانسته و به وجوب آن چه در پوشش و چه در گفتار، نگاه و رفتار و سایر موارد حکم داده اند. بر این اساس در کلام حضرت پیامبر ۹ و دیگر بزرگان سفارشات در رعایت حجاب صورت گرفته، چنان که از پیامبر اکرم نقل شده است که حضرت فرمودند: «آن کس که چشم را از حرام پر کند، خداوند در روز قیامت چشم هایش را از میخ های آتشین پر خواهد کرد و آن گاه درونش را آکنده از آتش می کند.»

از امام صادق هم نقل گردیده که نگاه حرام تیری است مسموم از جانب شیطان هر کس آن را به خاطر خدا، نه غیر آن ترک کند، خداوند ایمانی به او می دهد که طعم آن را بچشند.

البته با وجود روایات فراوان در باب حجاب سفارشات هم در باب ترک برخی اعمال وجود دارد که تحت دقت در آن ها حکایت از قصد آن بزرگان در ایجاد جامعه اسلامی سالم از طریق تهذیب و تزکیه روحی دارد و برای نیل به این مقصود دستور العمل هایی به چشم می خورد از قبیل نهی از پوشیدن لباس بدن نما و نازک چنان که پیامبر ۹ در یک حکم اخلاقی به اسماء می فرماید:



«ای اسماء! زن، وقتی به حد بلوغ رسید، نباید جایی از بدن و اندامش دیده شود، مگر صورت و دست‌ها.» (سجستانی، بی‌تا، ج ۲: ۳۸۳) یا در مورد منع از آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه که پیامبر، در ضمن حدیثی از آن، نهی نموده می‌فرمایند: «اگر زن برای غیرشوهر، خود را آرایش نمود، لازم است خداوند او را با آتش بسوزاند. (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۰: ۲۴۲) همچنین در پرهیز زنان از شبیه ساختن خود به مردان حضرت رسول فرموده‌اند: «خداوند، مردانی را که شبیه زن می‌شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می‌دهند، نفرین کرده است.» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۰: ۲۴۳)

امام باقر^۷ نیز، در ضمن حدیثی این امر را تقبیح و در مذمت آن فرموده‌اند: «جایز نیست که زن، خود را شبیه مرد نماید؛ زیرا پیامبر، مردانی را که مشابه زنان می‌شوند و همچنین زنانی که خود را شبیه مردها قرار می‌دهند، نفرین کرده است.» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۰: ۲۵۸)

لازم به ذکر است که دستورات اخلاقی به جا مانده از بزرگان دین علاوه بر زنان، مردان را نیز در بر گرفته و برای آنان هم مسئولیت‌هایی را به رسمیت شناخته شده است. بر این اساس به مردان امر شده است: اولاً، به حفظ عفت نسبت به زنان اهتمام نمایند چنان که از پیامبر^۹ نقل شده: «نسبت به زنان مردم، عقیف باشید تا زنان شما عقیف بمانند.» (حرعاملی، ۱۳۶۴، ج ۱۴: ۱۴۱)

ثانیاً، توصیه شده که از چشم‌چرانی بپرهیزند، زیرا بنا بر فرموده امام صادق^۷: «چشم‌چرانی، تیری است مسموم از تیرهای شیطان؛ چه بسا، نگاهی که حسرت‌های طولانی را در پی دارد.»

۳. راهکارهای مواجهه با بدحجابی

راهکارهایی برای تقویت پوشش اسلامی و پیشگیری از آسیب بدحجابی وجود دارد که در ادامه برخی از آنها آورده شده است.



۳-۱. بهره‌گیری از تکنیک اصلاح دیدگاه

پوشش، میوه عفاف بوده و ریشه در عفت درونی دارد. برخی از زنان بر این باورند که پوشش اسلامی برای آنان محدودیت ایجاد کرده و جلو رشد و پیشرفت آنان را می‌گیرد. البته شاید بخش اول این دیدگاه که پوشش اسلامی برای فردی ایجاد محدودیت می‌کند تا اندازه‌ای درست باشد، اما اینکه از پیشرفت او نیز جلوگیری کند، فکر درستی نیست؛ زیرا اسلام به معنای فرمانبرداری از فرامین الهی است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۶۶)^۱ که این فرمانبرداری به طور حتم محدودیت‌هایی را نیز به همراه خواهد داشت. به عنوان مثال فردی که در ماه رمضان روزه گرفته است، خوردن و آشامیدنش محدود به زمان پس از اذان مغرب تا اذان صبح می‌شود که این امر سختی‌ها و دشواری‌هایی را در پی دارد؛ چرا که فرد در تمامی طول روز نمی‌تواند از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها استفاده کند در حالی که تشنه و گرسنه است. اما او به خوبی می‌داند که تحمل این محدودیت و سختی همراه با فواید بسیاری در جسم و روح او خواهد بود. همه فرامین الهی به همین صورت هستند یعنی شاید دشواری‌هایی را برای انسان به همراه داشته باشند اما فواید بسیاری نیز دارند که سختی انجام آنها را در کام انسان شیرین می‌کند. در واقع تحمل همین محدودیت‌ها و سختی‌ها است که اطاعت و بندگی انسان را ارزشمند می‌کند. اگر پذیرش دین اسلام همراه با هیچ محدودیتی نبوده و کوچک‌ترین سختی برای انسان به دنبال نداشته باشد، در این صورت بهشت و جهنم و پاداش و جزا نیز معنا و مفهومی نخواهد داشت. درست مانند دانش‌آموزی که در تمام طول سال محدودیت‌های فراوانی را تحمل می‌کند تا در پایان به نتیجه مطلوبی برسد. مسئله پوشش اسلامی نیز به همین صورت است؛ یعنی بانوان مسلمان شاید از یک سو محدودیت‌هایی را تحمل کنند اما مزیت‌های فراوانی را به دست می‌آورند که مهم‌ترین آن قرب الهی و سعادت ابدی است. بنابراین این سخن که «حجاب محدودیت نمی‌آورد» نمی‌تواند عبارت دقیقی باشد؛ زیرا فردی که در گرمای تابستان برای اطاعت فرمان پروردگار

۱. الإسلام الاستسلام لأمر الله تعالى و هو الاتقياد لطاعته و القبول لأمره.



تمامی بدن خود را در برابر نامحرم می پوشد، مجبور است گرمای هوا را دوچندان تحمل کند یا فردی که در مسابقات ورزشی پوشش اسلامی خود را رعایت می کند، نسبت به فردی که پوشش کمتری دارد با دشواری بیشتری مواجه است. اما رعایت این پوشش منافاتی با پیشرفت ندارد. امروزه بانوان مسلمان با داشتن پوشش اسلامی در مسابقات علمی و ورزشی بین المللی خوش می درخشند. آنان هرگز این پوشش را مانعی برای رشد خود ندانسته و بارها بدان اذعان کرده اند. به عنوان مثال یکی از بانوان ورزشکار ایرانی درباره حضورش در مسابقات ورزشی گفت:

به نظر من نوع پوشش الزاماً به عنوان یک مانع نیست. با فناوری های پیشرفته امروز می توان لباس هایی طراحی کرد که هم بشود ورزش کرد و هم بدن خود را پوشاند.^۱

پس شاید نتوان محدودیت حجاب را انکار کرد اما می توان گفت که این محدودیت همراه با فواید بسیاری است که دستیابی به آن، پذیرش محدودیت ها را آسان تر می کند. از جمله فوایدی که پوشش اسلامی به دنبال دارد، مصونیتی است که در برابر نگاه آلوده افراد هرزه و تعرض آنان ایجاد می شود. در ماجرای تاریخی آمده است که پس از نماز مغرب و عشاء، مردان جوان بر سر راه زنان ایستاده و با بیان سخنانی ناشایست، آنان را می آزاردند (قمی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۹۶). رسول خدا^۹ برای مبارزه با این آسیب اجتماعی، به بانوان جامعه فرمود که پوشش خود را به طور کامل رعایت کنند. این دستوری بود که از جانب پروردگار متعال به منظور رفع این معضل اجتماعی صادر شده بود. قرآن کریم می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْزَوَاجِ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذٰلِكَ اَدْنٰى اَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا (احزاب: ۵۹).

^۱ www.dustaan.com.



ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «جلباب‌ها [روسی‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

منظور از «جلباب» پوششی است که از روسری بزرگ‌تر و از چادر کوچک‌تر است چنان که نویسنده «لسان العرب» روی آن تکیه کرده است. و منظور از «یدنین» (نزدیک کنند) این است که زنان «جلباب» را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آنها را محفوظ دارد، نه اینکه آن را آزاد بگذارند به طوری که گاه و بی‌گاه کنار رود و بدن آشکار گردد، و به تعبیر ساده خودمان لباس خود را جمع و جور کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۴۲۸). دستور خدای متعال شاید برای بانوان اندکی دشواری به همراه داشته باشد، اما گردن نهادن به این فرمان پرودگار، مصونیتی را در برابر افراد شهوت‌پرست و آلوده ایجاد می‌کند که دشواری آن را به کلی در نگاه انسان محو می‌کند.

۲-۳. بهره‌گیری از روش الگویی

انسان همواره برای رسیدن به کامیابی و موفقیت به دنبال الگویی مناسب است. هر اندازه الگوی فرد کامل‌تر و بهتر باشد، رسیدن به هدف را دست‌یافتنی‌تر خواهد کرد. نوجوانان و جوانان به دلیل آمادگی درونی از الگوپذیری بیشتری برخوردارند. نکته‌ای که امام علی ۷ به درستی بدان اشاره کرده و فرمودند:

إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَّثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَذْبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ (سید رضی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱: ۵۲۳).



قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود، و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد.

این زمین، آماده الگویی است تا همه خواسته‌های خویش را در آن بیابد. از این‌رو، جوان کمال خود را در الگو می‌بیند. اما با گذشت زمان، به تدریج دل آدمی سخت و عقل و اندیشه‌اش به امور متعدد مشغول می‌شود. بنابراین، به تجربه ثابت شده است که مردان و زنان میان سال انگیزه کمتری برای الگوپذیری و پیروی از الگو دارند. اگر جوان آگاهی درستی نسبت به الگوهای اسلامی نداشته و یا بر اثر غفلت از آنان دوری گزیند، به ناچار الگوهای دیگری برای خود خواهد گزید. در این میان کشورهای غربی و غیراسلامی پیوسته در تلاشند تا الگوهایی را برای جوانان مسلمان معرفی کنند و بدین طریق می‌کوشند پوشش اسلامی را ضعیف جلوه داده و به کشورهای اسلامی القا کنند که ارزش، شخصیت و تمدن، تنها در پیروی از فرهنگ آنان است. در حالی که امام صادق (ع) خط بطلان بر این دیدگاه کشیده و معتقد بودند که هرگز نباید دشمنان خدا را به عنوان سرمشق و الگوی خود برگزید در جایی که فرمودند:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَ لَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَ لَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۵۲).

خداوند سبحان به یکی از پیامبران وحی کرد که به مؤمنان بگو: در پوشش، تغذیه و آداب و رسوم، دشمنان خدا را سرمشق خود قرار ندهید. اگر چنین کنید، شما هم مانند آنها جزو دشمنان خداوند به شمار می‌آیید.

باید دانست از جمله عوامل مهمی که سبب عقب‌رفت جوامع اسلامی می‌شود، پیروی از فرهنگ غرب به ویژه در مسئله پوشش است. بی‌توجهی به این مسئله مهم می‌تواند جامعه اسلامی را تا



مرز نابودی و انحطاط پیش برده و گاه ممکن است جامعه را به نابودی کامل بکشاند. از این رو امروزه کشورهای غربی تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند تا با هجوم همه‌جانبه فرهنگی، مسئله پوشش را در جوامع اسلامی به انحراف بکشاند تا از این طریق ضربه سنگینی را بر پیکره جامعه اسلامی وارد کنند. همفر می‌گوید:

باید زنان مسلمان را فریب داد و از زیر چادر بیرون کشید؛ با این بیان که حجاب، یک عادت از خلفای بنی عباس بوده و یک برنامه اسلامی نیست... پس از آنکه زنان را از چادر بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنان بیفتند تا در میان مسلمانان فساد رواج یابد و برای پیشبرد این نقشه، لازم است اول زنان غیرمسلمان را از حجاب بیرون آوریم تا زنان مسلمان از آنان یاد بگیرند (همفر، ۱۳۶۱: ۱۱۲ و ۱۱۳).

از این رو علما و بزرگان دین همواره کوشیده‌اند که توطئه شوم دشمن را به مسلمانان گوشزد کرده و آنان را از دسیسه‌های دشمن آگاه کنند. امام خمینی؛ فرمودند:

آنهایی که قصد دارند زنان را ملعبه مردان و ملعبه جوانان فاسد قرار بدهند، جنایت کار هستند. زن‌ها نباید فریب بخورند، زن‌ها گمان نکنند مقام زن این است که بزک کرده بیرون برود. این مقام زن نیست (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۱: ۲۵۴).

امام خامنه‌ای (دام‌طه) نیز توطئه غرب را نسبت به زنان گوشزد کرده و با بیان این پرسش که «آیا جنایتی بالاتر از سرگرم کردن زن به مد و جلوه‌گری، و سپس استفاده ابزاری از او وجود دارد؟»، فرمودند:

آن کسی که در پی این گونه چیزهاست، ارزشش پایین است ... مُد، برای زن ارزش آفرین نیست؛ بی‌اعتنایی نسبت به مُدهای دام‌گونه ساخته و پرداخته دشمنان، برای زن ارزش است.^۱

۱. سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان، تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۶، قابل دسترسی در سایت khamenei.ir.



نابهنجاری‌هایی که در زمینه پوشش برخی از بانوان در سطح جامعه وجود دارد، می‌تواند ناشی از نداشتن الگوی اسلامی باشد. این نداشتن الگو گاه بر اثر آگاهی نداشتن از الگوهای دینی و اسلامی است. به گونه‌ای که فرد تصور می‌کند که اسلام الگویی در حوزه پوشش ندارد. در حالی که دین اسلام الگوهای متعددی ارائه داده و انسان‌ها را به پیروی از سیره عملی و نظری آنان دعوت نموده است که از آن جمله می‌توان به حضرت زهرا (علیها السلام) اشاره کرد. از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام) بهترین زن کسی است که خود را از دید نامحرمان دور کند. ایشان فرمودند:

خَيْرُ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ۵۴).

بهترین و نیکوترین عمل زنان آن است که [بدون ضرورت] مردان [نامحرم] را نبینند و مردان [نامحرم] نیز آنان را ننگرند.

از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان یک الگوی اسلامی، زن باید بکوشد از ارتباط با نامحرم دوری کرده و کمترین ارتباط را با آنان داشته باشد. اما متأسفانه در عصر ما برخی از کشورهای غیراسلامی تلاش می‌کنند زن مسلمان را از هویت خود جدا کرده و به مجامع عمومی و معرض دید نامحرمان بکشانند و به این وسیله او را به سمت فساد و تباهی رهنمون سازند. حضرت زهرا (علیها السلام) بانوی بزرگواری که مظهر کمالات الهی و برترین اسوه انسان‌ها به ویژه زنان هستند، از نظر عفاف و حجاب الگوی بی‌نظیری هستند. روزی حضرت زهرا (علیها السلام) در محضر رسول خدا ۹ نشسته بود که مرد نابینایی اجازه ورود خواست. پیامبر ۹ مشاهده فرمود که حضرت زهرا (علیها السلام) برخاست. فرمود: «دخترم این مرد نابیناست.» پاسخ داد: «إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ وَ هُوَ يَشْمُ الرِّيحَ؛ اگر او من را نمی‌بیند، من او را می‌نگرم [اگر چه او نمی‌بیند اما] بوی [عطر] مرا استشمام می‌کند» رسول خدا ۹ پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود: «شهادت می‌دهم که تو پاره تن من هستی» (راوندی، بی‌تا: ۱۳).



حضرت زهرا[ؑ] در عین آن که حجاب کامل را رعایت می کرد، حجاب را پرده نشینی و انزوای زنان نمی دانست، بلکه شواهد بسیاری وجود دارد که آن حضرت حجاب را هرگز دست و پاگیر و مانع تلاش های اجتماعی و سیاسی نمی دانست. از این رو، در عرصه های مختلف اجتماعی و سیاسی شرکت فعال داشت. حضرت زهرا[ؑ] در ماجرای غصب فدک، هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم به سر بستند و جلباب (چادر) را به گونه ای که تمام بدن آن حضرت را می پوشاند و گوشه های آن به زمین می رسید به تن کردند و به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود به سوی مسجد حرکت کردند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۹۸). سپس حضرت وارد مسجد شده و در جایگاهی قرار گرفتند که پرده ای بین زنان و مردان حایل بود و مردان، ایشان را نمی دیدند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶: ۲۱۱ و ۲۴۹).

نمونه های بارز و فراوان دیگری در دوران پیشوایان دین: وجود دارد که از برجسته ترین شخصیت های عفاف و حجاب در دوران خود به شمار آمده و امروزه الگویی مناسب برای بانوان جامعه اسلامی هستند. از آن میان می توان به دختر شش ساله امام حسین[ؑ] اشاره کرد که در مجلس یزید با آستین روی خود را گرفته بود و اشک می ریخت. هنگامی که یزید دلیل گریه اش را پرسید، فرمود: چگونه گریه نکند کسی که پوشش و نقابی برای او نیست که صورت خود را از تو و حضار مجلست بپوشاند (قمی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۲۱).

بانوی دیگری که می تواند الگوی مناسبی برای بانوان قرار گیرد، حضرت مریم[ؑ] است. مریمی که با لطف و عنایت الهی توانست همواره پاکدامن زیسته، در دامان پاکان پرورش یافته، و در میان جمعیت مردم ضرب المثل عفت و تقوا شود. شخصیتی که فرشتگان الهی نوید برگزیده شدن و برتریش را برای تمامی بانوان داده و می گویند:

يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (آل عمران: ۴۲).

ای مریم، خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.



این برگزیدگی به دلیل حرکت در مسیر تقوای الهی و رعایت عفت و پاکدامنی بود. همان نکته‌ای که قرآن کریم بدان اشاره کرده و می‌فرماید:

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا مِنَ الْإِثْمِ (تحریم: ۱۲).

و همچنین به مریم دختر عمران که دامن خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود.

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه فوق به نکته‌ای اشاره می‌کند که گویای نهایت عفت و عفاف در وجود حضرت مریم علیها السلام است. وی در تفسیرش می‌نویسد:

مَرْيَمُ لَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا شَيْءٌ (قمی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۵).

هیچ کس حضرت مریم علیها السلام را ندید.

مریم علیها السلام روزی در خلوتگاه خود با مردی مواجه می‌شود. او با دیدن مرد بسیار هراسان شده و می‌گوید:

إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا (مریم: ۱۸).

من از شر تو، به خدای رحمان پناه می‌برم اگر پرهیزگاری.

مریم علیها السلام با دیدن مرد به خدا پناه می‌برد، خدایی که در سخت‌ترین حالات تکیه‌گاه انسان بوده و هیچ قدرتی در مقابل او توان عرض اندام ندارد. همچنین مریم با استفاده از عبارت «إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا»، در نظر دارد که آن شخص را متنبه کند. دیری نپائید که فرد ناشناس لب به سخن گشود و



مأموریت و رسالت عظیم خویش را چنین بیان کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۳۴) و گفت:

أَنَا رَسُولُ رَبِّكَ لِأَهَبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا (مریم: ۱۹).

من فرستاده پروردگار توام (آمدهام) تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم.

دختران حضرت شعیب^۷، نیز از جمله مصادیق الگویی مورد توجه قرآن هستند که از روبه رو شدن با مردان نامحرم اجتناب می‌کردند. آنان که به دلیل کهولت سن پدر ناچار به اداره امور دام‌ها بودند، روزانه برای سیراب کردن گوسفندان به سوی چاهی که خارج از شهر مدین بود، رهسپار می‌شدند. عفت و حیای دختران شعیب^۷ به اندازه‌ای بود که روزی با دیدن چندین چوپان در اطراف چاه، صبر می‌کنند تا کار آنان تمام شده و سپس به چاه نزدیک شوند. ناگهان موسی^۷ با آنان مواجه شده و علت نزدیک نشدن آنان را به چاه می‌پرسد که آنان همین پاسخ را به او می‌دهند. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید:

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ (قصص: ۲۳).

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشان (و به چاه نزدیک نمی‌شوند موسی) به آن دو گفت: «کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟)» گفتند: «ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند و پدر ما پیر مرد کهن سالی است (و قادر بر این کارها نیست).»



دختران شعیب^۷ به اندازه‌ای از رو به رو شدن با نامحرم پرهیز می‌کردند که گوسفندان خود را دور نگه می‌داشتند تا مبادا زمینه برخورد آنان با نامحرم فراهم شود. آنان حتی در نحوه راه رفتن‌شان نیز نهایت حیا را رعایت می‌کردند. قرآن کریم می‌فرماید:

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ (قصص: ۲۵).

ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت.

این که در آیه فوق کلمه «استحیاء» به صورت نکره و بدون الف و لام آمده، بیانگر نهایت حیا بوده و «راه رفتن بر استحیاء» بر این نکته دلالت دارد که عفت و نجابت از طرز راه رفتنش پیدا بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۶).

از مصادیق بالا این نکته فهمیده می‌شود که بانوان جامعه اسلامی چه به مانند حضرت مریم علیها السلام در خلوت به سر برده و از اجتماع به دور باشند و یا به مانند دختران شعیب^۷ ناگزیر به حضور در اجتماع باشند، باید تمام تلاش خود را به کار گیرند تا هیچ‌گونه ارتباط غیر ضروری با مردان اجنبی نداشته و عفت و پاکدامنی خود را حفظ کنند.

۳-۳. خودکنترلی حس جلوه‌گری و خودنمایی

جلوه‌گری و خودنمایی از ویژگی‌های درونی و فطری بانوان است که به اشکال گوناگون ظهور و بروز می‌کند. این ویژگی نه تنها بد نیست بلکه در مواردی بسیار پسندیده بوده و از سوی آموزه‌های دینی بدان سفارش شده است. اما آنچه که مهم است، کنترل این ویژگی و جلوگیری از کشیده‌شدن آن از محیط خانواده به سطح جامعه است. برخی از بانوان برای ارضای این غریزه، جلوه‌گری خود را از محیط خانواده به سوی جامعه توسعه داده و با این کار، آسیب‌ها و معضلات اجتماعی بسیاری را رقم می‌زنند. چالشی که همواره جوامع گوناگون را آزار داده و آن را به خود درگیر کرده است به گونه‌ای که پیش از اسلام برخی از بانوان با حجاب نادرست و نمایان کردن



زینت‌ها و قسمتی از بدن، در سطح جامعه به جلوه‌گری می‌پردازند. پس از اسلام، این فرهنگ به میان جامعه اسلامی کشیده شده و جامعه اسلامی را با چالش روبرو کرد. از این رو خدای متعال همسران پیامبر ۹ را از این فرهنگ اشتباه برحذر داشته و فرمود:

وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى (احزاب: ۳۳).

و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.

این آیه بیانگر یک حکم کلی و عام است و تکیه آن بر زنان پیامبر ۹ به عنوان تاکید بیشتر است. درست مثل اینکه به شخص دانشمندی بگوئیم تو که دانشمندی دروغ مگو، مفهومی این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است، بلکه منظور این است که یک مرد عالم باید به صورت مؤکدتر و جدی‌تری از این کار پرهیز کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ۲۹۰).

نمایش زیبایی‌ها و زینت‌ها نیازی درونی به شمار آمده و اسلام برای ارضای آن، راهکاری مناسب ارائه کرده است. از دیدگاه اسلام نباید این غریزه را به طور کامل سرکوب کرد بلکه باید آن را در مسیر درست به کارگرفت. پیشنهاد اسلام برای هدایت این غریزه، به کارگیری آن در محیط خانواده و محارم است و جلو ورود آن را به سطح جامعه گرفته است. از جمله جلوه‌گری‌هایی که اسلام بر آن مهر تأیید نهاده و زنان را بدان سفارش کرده است، جلوه‌گری برای همسر می‌باشد. این امر نه تنها بد نیست بلکه بسیار پسندیده بوده و به استحکام قانون خانواده کمک می‌کند؛ زیرا زنی که تنها در برابر شوهرش جلوه‌گری کرده و آرایش و زینتی‌هایش را تنها برای او به کار می‌گیرد، در واقع به حس غیرت او پاسخ مثبت گفته و سبب ایجاد بذر محبت در قلب او می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ خَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطُّفُلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ (نور: ۳۱).



و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان [کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند.

آیه فوق به روشنی گویای این مطلب است که زنان نباید زینت‌های پنهانی خود را در سطح جامعه آشکار کنند. آنان نباید لباس‌های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند، به نمایش گذاشته یا طلا و جواهرات خویش را به نامحرم نشان بدهند. اما نمایش زینتی‌ها برای محارم و اعضای خانواده اشکالی نداشته و در برخی موارد پسندیده نیز هست. همانگونه که رسول خدا ۹ یکی از ویژگی‌های زن خوب را خودآرایی و تبرج‌وی برای همسرش برمی‌شمارند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۲۴).^۱ امام صادق ۷ فرمود:

لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَ لَوْ أَنَّ تُلْقَى فِي عُقْهَا قِلَادَةٌ وَ لَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنْ الْخِضَابِ وَ لَوْ أَنَّ تَمْسَحَهَا بِالْحِنَاءِ مَسْحًا وَ إِنَّ كَانَتْ مُسِنَّةً (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۲۳).

برای زن سزاوار نیست خود را از زیور و آرایش خالی کند، حتی اگر یک گردنبند باشد؛ و سزاوار نیست دستش از رنگ حنا خالی باشد، حتی اگر پیر باشد.

بنابراین همانطور که بیان شد، جلوه‌گری برای شوهر از دیدگاه اسلام پسندیده بوده و در قلب او ایجاد محبت می‌کند البته مردان جامعه اسلامی نیز باید به جلوه‌گری همسرشان توجه نشان داده و از آن تعریف و تمجید کنند تا این غریزه به نحو شایسته‌ای در آنها فروکش نماید.

^۱ إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا.



۳-۴. حرکت بر دایره و محوریت حیا

حیا در لغت به معنای شرم (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۱۵) و در اصطلاح، نوعی حالت روانی یا انفعال و انقباض نفسانی است که موجب متانت و وقار در رفتار، حرکات و سکنات انسان شده و همچنین موجب خودداری از انجام امور ناپسند در انسان می‌گردد و منشأ آن ترس از سرزنش دیگران است (ابن مسکویه، ۱۳۸۱: ۴۱ و طوسی، ۱۳۶۴: ۷۷).

صفت حیا از کمالات بزرگ اخلاقی است که به سبب ویژگی بازدارندگی آن، نقش عمده‌ای در شکل‌دهی چگونگی ارتباط انسان با خدا و مردم دارد. امروزه برخی از بانوان نسبت به این فضیلت اخلاقی کم‌توجه بوده و در شیوه نشست و برخاست و سخن گفتن و ... از این صفت مهم غافلند. بی‌توجهی به این صفت، زمینه را برای ایجاد جرم‌ها و مفاسد اخلاقی فراهم می‌کند. نکته‌ای که رسول اسلام^۹ به روشنی آن را بیان کرده و فرمودند:

بی‌شرمی با هیچ چیز همراه نشد مگر اینکه آن را زشت گردانید و حیا با هیچ چیز همراه نگردید مگر اینکه آن را آراست (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۶۷).

مهمترین اثر حیا، عفاف و پاکدامنی است که در فرازی از سخنان امام علی^۷ بدان اشاره شده است. ایشان فرمودند:

میوه حیا، عفاف و پاکدامنی است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۷).

وقتی زلیخا درها را به روی یوسف^۷ بست و با او خلوت کرد، برخاست و چهره بتی را که در خانه داشت پوشانید. یوسف فرمود: چگونه تو از مراقبت جسمی جامد حیا می‌کنی، ولی من از مراقبت خداوند جبار حیا نکنم (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۰۷).



زن باید در برابر نامحرم، وجود خود را عاری از هرگونه حرکات مفسده‌انگیز و فریبنده نموده و حیا و متانت و وقار را زیور خود سازد. او نباید با نامحرم به گونه‌ای سخن بگوید که موجبات تحریک و انحراف او را فراهم کند. مثلاً نازک کردن صدا و با عشوه سخن گفتن آتش شهوت را در دل مردان بیمار دل شعله‌ور کرده و در قلب‌هایی که زمینه جذب و گرایش به فساد را دارند، مؤثر می‌افتد؛ زیرا طنین ملایم صدای زن، خود به خود، برای مرد فریبنده و اغواگر است، چه رسد به اینکه همراه با شیرین زبانی و طنّازی باشد. از این رو سخن گفتن زنان مسلمان با مردان نامحرم نباید با خضوع و تواضع باشد. قرآن کریم خطاب به زنان پیامبر ۹ می‌فرماید:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (احزاب: ۳۲).

ای همسران پیامبر، شما همچون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید.

همچنین زنان باید در نحوه راه رفتن خود در حضور نامحرم دقت لازم را به کار بسته و به گونه‌ای راه بروند که زمینه گناه و انحراف برای مردان ایجاد نشود. همان رفتاری که دختران شعیب در برابر حضرت موسی ۷ از خود نشان داده و نهایت متانت و حیا را از خود به نمایش گذاشتند. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید:

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ (قصص: ۲۵).

ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت.

آیه به روشنی گویای این نکته است که راه رفتن زن باید از روی حیا باشد یعنی نباید اغواگرانه بوده و به گونه‌ای باشد که سبب تحریک دیگران گردد. از این رو خدای متعال به بانوان دستور



می‌دهد که پاهای‌شان را طوری بر زمین نکوبند که زینت‌های مخفی‌شان آشکار شود. در جایی که می‌فرماید:

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ (نور: ۳۱).

و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد).

دوری از عنصر حیا افزون بر اینکه سبب تحریک دیگران شده و نگاه‌های آلوده را به فرد معطوف می‌کند و در نهایت سبب به وجود آمدن جرم‌ها و آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌شود، تعادل روحی و روانی افراد را نیز بر هم می‌زند؛ زیرا برهنگی خلاف فطرت بوده^۱ و برای فردی که از سلامت نفس برخوردار است، به طور طبیعی حس پریشانی را به دنبال دارد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۴۱) و در افرادی که دارای سلامت نفس نیستند، دوچندان به بیماری‌های روحی و روانی دچار می‌شوند که مزاحمت‌های خیابانی و ... از جمله همین بی‌تعادلی روحی و روانی است و ریشه در کمبود عنصر حیا در برخی از زنان و مردان دارد. از این رو، به نظر می‌رسد که حرکت بر دایره حیا، راهکاری کارآمد در پیشگیری و جلوگیری از بزه‌های خانوادگی و اجتماعی باشد.

۱. از برخی آیات قرآن برمی‌آید که حیا فضیلتی درونی و فطری است:

فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ (اعراف: ۲۲).
و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقام‌شان) فرودآورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندام‌شان [عورت‌شان] بر آنها آشکار شد و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند.

از آنجایی که آدم و حوا اولین انسان‌هایی بودند که پا به عرصه هستی گذاشتند، پوشش برای آنها جنبه اکتسابی نداشت. آنان پس از اینکه فریب شیطان را خورده و میوه درخت ممنوعه را خوردند، لباس‌شان را از دست دادند. در این هنگام اضطراب و نگرانی تمام وجودشان را فراگرفت. ریشه این نگرانی را می‌توان ناشی از فطری بودن عنصر حیا دانست.



۳-۵. پرورش عفت و عفاف

عفت از فضائل اخلاقی بوده (نراقی، ۱۹۶۷م، ج ۱: ۸۵) و در لغت به معنای پاکدامنی و خویش‌داری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۷۳). عفت در اصطلاح اخلاق، به معنای این است که در خوردن و آمیزش جنسی، قوه شهوت مطیع عقل بوده و از چیزی که عقل و شرع نهی کرده، اجتناب نماید (صدر حاج سید جوادی و خرمشاهی و فانی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۱۰). اسلام در حمایت از شخصیت انسانی و معنوی زن، دستورهای حکیمانه‌ای را مبتنی بر لزوم رعایت عفت در ابعاد گوناگون صادر نموده است. البته باید گفت که عفاف تنها به زنان اختصاص نداشته و شامل مردان نیز می‌شود. متنها مرد به دلیل توانایی و برتری جسمانی، گاه می‌تواند به گونه‌ای ظالمانه، بر خلاف تمایل زن رفتار نماید. به همین دلیل روی عفت زن بیشتر از مرد تکیه و احتیاط شده است.^۱

عفت و عفاف یکی از ارزش‌های اخلاقی است که همواره در متون دینی مورد تأکید قرار گرفته و نقش بسزایی در سلامت فرد و اجتماع دارد که سعادت و کمال و یا انحطاط یک فرد یا جامعه در گرو آن می‌باشد. از این‌رو، راه تحصیل و دستیابی عفت و به دنبال آن، چگونگی حفظ آن، از جمله مواردی است که در بحث عفت مورد اهمیت است و بی‌تردید در متون دینی علاوه بر تأکید بر عفت به عنوان یک ارزش اخلاقی، راه‌کارهایی نیز برای گسترش و نهادینه شدن آن در فرد و جامعه ارائه گردیده است. دین مبین اسلام برای ارضای درست غریزه جنسی و پیشگیری از انحراف آن، ازدواج را مطرح کرده و آن را راهی برای پاکدامنی فردی و اجتماعی می‌داند. اما خدای متعال برای افرادی که به هر دلیلی توان ازدواج و ارضای صحیح غریزه جنسی را ندارند، دستور می‌دهد که راه عفت و عفاف را در پیش گیرند در جایی که می‌فرماید:

^۱. سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، تاریخ ۱۳۷۶/۰۷/۳۰، قابل دسترسی در سایت khamenei.ir. (با اندکی تصرف)



وَلَيْسَتَغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور: ۳۳).

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند.

برخی ممکن است تصور کنند که در صورت فراهم نبودن شرایط ازدواج و عدم امکان درست ارضای غریزه جنسی، آلودگی جنسی برای آنها مجاز است، و ضرورت چنین ایجاب می‌کند که آتش شهوت را از راه‌های نادرست و زیر پا گذاشتن عنصر عفت، خاموش کنند اما راهکار اسلام برای مسلمانانی که توان ازدواج ندارند، عفت‌پیشگی است.

روزی جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد- و در آن روز زنان مقنعه خود را در پشت گوش‌ها قرار می‌دادند- (و طبعاً گردن و مقداری از سینه آن‌ها نمایان می‌شد) چهره آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که زن گذشت جوان هم چنان با چشمان خود او را بدرقه می‌کرد درحالی که راه خود را ادامه می‌داد، تا این که وارد کوچه تنگی شد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه می‌کرد، ناگهان صورتش به دیوار خورد و قطعه تیزی که در دیوار بود، صورتش را شکافت. هنگامی که زن گذشت، جوان به خود آمد و دید، خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه اش ریخته (سخت ناراحت شد) با خود گفت: به خدا سوگند من خدمت پیامبر ۹ می‌روم و این ماجرا را بازگو می‌کنم، هنگامی که چشم رسول خدا ۹ به او افتاد، فرمود: چه شده است؟ و جوان ماجرا را نقل کرد، در این هنگام توسط جبرئیل آیه نازل شد (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۳۵) که فرمود:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ*
وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ (نور: ۳۰-۳۱).



به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فروبندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می‌دهند، آگاه است. و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فروبندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند.

در ادامه خدای متعال با بیان کیفیت پوشش و حجاب زنان، روشن می‌سازد که آنان باید تمام اندام و سر و سینه و گردن و موهای خود را در برابر نامحرم بپوشانند و در پوشاندن خویش نهایت عفاف را رعایت کنند. در جایی که می‌فرماید:

وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ (نور: ۳۱).

و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود).

«خُمُر» جمع خمار، به معنای جامه و پوششی است که زنان سر و موی خود را با آن می‌پوشانند. و «جیوب» جمع جیب، به معنای گریبان و سینه است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲ و ۱: ۲۹۹).

بنابر نقل تواریخ، رسم بر این بود که زنان عرب معمولاً لباس‌هایی می‌پوشیدند که یقه پیراهن و گریبان‌های‌شان باز بود و دور گردن و سینه را نمی‌پوشانید. روسری را هم از پشت سر می‌انداختند (همان طوری که هم اکنون بین مردان عرب متداول است) به طوری که گوش، بناگوش، گوشواره و جلوی سینه و گردن آن‌ها نمایان می‌گشت.

لذا این آیه نازل شد که باید پوشش‌ها و روسری‌ها، از دو طرف، روی سینه و گریبان افکنده شود تا قسمت‌های یاد شده، پوشیده گردد. به تعبیر «ابن عباس»، صحابی پیامبر اکرم^۹، تفسیر آیه این گونه است: «تغطی شعرها و صدرها و ترائبها و سوافها؛ یعنی زن باید مو و سینه و دور گردن و زیرگلوئی خود را بپوشاند» (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۳۹).



بنابراین، ملکه عفاف ایجاب می‌کند که زن تمامی اندام خویش را، به جز گردی صورت و دو دست بپوشاند تا افراد بوالهوس و مریض به فکر تعرض و اذیت نیفتند و هرگز کسی به خود اجازه فکر باطل ندهد. عفت، مفهومی کلی است که در تمامی افعال انسان باید نمود پیدا کند. از جمله این افعال سخن گفتن با نامحرم است. خدای متعال در این خصوص به زنان مسلمان فرموده است که سخن آنان باید «قول معروف» بوده از هر گونه خضوع و فروتنی به دور باشد. خضوع در این جا به معنای این است که زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنند تا مردان بیماردل^۱ را دچار ریه و خیال‌های شیطانی کنند و شهوت آن‌ها را برانگیزانند. و «قولاً معروفاً» یعنی سخن معمولی و مستقیمی بگویند که به دور از کرشمه و ناز باشد و شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۶۱).

حضرت زهرا (علیها السلام) از جمله بانوانی هستند که همواره بر دایره عفت و عفاف حرکت کرده و دیگران را نیز بدان سفارش می‌کردند. ایشان حجاب و عفاف را به اندازه‌ای مهم می‌دانستند که حتی در واپسین روزهای زندگی و قراردادن در بستر بیماری، از کیفیت حمل جنازه خود نگران بودند و به پوشیده‌بودن و محفوظ‌بودن بدن خویش از دید نامحرم سفارش کردند. همان‌گونه که به «أسماء بنت عمیس» فرمودند: من بسیار زشت می‌دانم که جنازه زن را پس از مرگ، بر روی تابوت سر باز گذاشته، بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند، [طوری] که حجم بدن مشخص می‌گردد. مرا بر روی تابوت آن‌چنانی مگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش جهنم بازدارد (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۶۷).

^۱. منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت باز می‌دارد.



۳-۶. نهادینه شدن غیرت دینی

«غیرت» در لغت، به معنای نفرت انسان از مشارکت دیگران در امور مورد علاقه بوده (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۳۲)^۱ و در فرهنگ اسلامی، به عنوان یک فضیلت مهم اخلاقی بیان شده است. (نراقی، ۱۹۶۷، ج ۱: ۲۶۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۸۰) این فضیلت اخلاقی، انسان را به دفاع شدید از آبرو و ناموس، دین و آیین، مال و سرزمین وامی‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۴۳۱). چنین خصلتی از ارزش‌های مهم اخلاقی بوده که موجب آثار درخشان و سازنده در زندگی انسان شده و سبب کسب عزّت و آبرو و شخصیت ممتاز در انسان می‌گردد و هر گاه این خصلت از مردان گرفته شود، فساد و آسیب‌های اجتماعی روند افزایش پیدا خواهد کرد. کشورهای غربی از طریق فیلم‌ها و تصاویر مستهجن و انتشار آن در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای به دنبال کم‌رنگ کردن این فضیلت اخلاقی در میان مردان مسلمان هستند. اگر این ویژگی مهم از مردان سلب شود، برخی از زنان کم‌توجه به مسئله عفاف و حجاب، به خود اجازه می‌دهند که با هر پوششی در سطح جامعه ظاهر شده و به جلوه‌گری بپردازند و به تدریج جامعه را در سرازیری سقوط قرار دهند. امروزه گاه مردانی را مشاهده می‌کنیم که در برابر پوشش نامناسب و جلوه‌گیری زنان جامعه اسلامی هیچ حساسیتی نداشته و حتی گاه نسبت به همسر و دختر خودشان نیز بی‌تفاوتند. حال آنکه چنین رفتاری به شدت از سوی دین اسلام نکوهش شده است.

وَ أَيْمًا رَجُلٍ رَضِيَ بِنَزَائِنِ امْرَأَتِهِ وَ تَخَرَّجَ مِنْ بَابِ دَارِهَا فَهُوَ دَيُّوْثٌ وَ لَا يَأْتِي مَنْ يُسَمِّيهِ دَيُّوْثًا وَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيِّنَةً مُتَعَطِّرَةً وَ الزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ بِنِي لَزْوَجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتٌ فِي النَّارِ (شعیری، ۱۴۰۵ق: ۱۵۸).

^۱ الْغَيْرَةُ نَفَرَةٌ طَبِيعِيَّةٌ تَكُونُ عَنْ بُخْلِ مُشَارَكَةِ الْغَيْرِ فِي أَمْرِ مَحْبُوبٍ لَهُ.



هر مردی که راضی است همسرش خود را بیاراید و از خانه بیرون برود، آن مرد دیوث است و هر که او را دیوث بنامد، گناه نکرده است. هر گاه زن، آرایش کنان و عطرزنان، از خانه‌اش خارج شود و شوهرش به این کار او راضی باشد، به ازای هر قدمی که برمی‌دارد، برای شوهر او، خانه‌ای در جهنم بنا می‌شود.

این آفت خطرناک، زمینه‌ساز آلودگی زن و فروپاشی نظام خانواده است. از این رو مرد باید به عنوان مدیر خانواده از ایجاد چنین آسیبی پیشگیری نموده و با انجام چنین رفتاری خشنودی پروردگار را فراهم کند. امام صادق ۷ فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ لِيَغَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۵۳۵).

خداوند غیور است و هر غیوری را دوست دارد و به جهت غیرتش، همه کارهای زشت اعم از آشکار و پنهان را حرام فرموده است.

رسول خدا ۹ فرمود:

كَانَ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ۷ غَيُورًا وَ أَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ وَ أَرْغَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (ابن بابویه، ۴۰۴ ق، ج ۳: ۴۴۴).

پدرم ابراهیم بسیار غیرتمند بود و من از او غیرتمندتر هستم و خداوند بینی مؤمنی را که بی غیرت است، به خاک بمالد و ذلیل کند.

سیره پیشوایان دین بیانگر این نکته است که آنان نیز از بالاترین مراتب غیرت برخوردار بودند. به عنوان نمونه روزی به امام علی ۷ گزارش رسید که برخی از مردان و زنان در جامعه حریم عفت را رعایت نمی‌کنند. ایشان با شنیدن این گزارش بسیار ناراحت شده و فرمودند:



یا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُؤَافِقْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ قَالَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۱۵).

به من خبر رسیده که زنان شما در مسیر راه‌ها به مردان تنه می‌زنند. آیا حیا نمی‌کنید؟ خداوند لعنت کند کسی را که غیرت نمی‌ورزد.

أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَغَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَ يُزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۵۳۷).

آیا خجالت نمی‌کشید و زنان شما غیرت نمی‌ورزند؟ به طوری که در بازارها رفت و آمد کرده و با مردان بیگانه رخ به رخ می‌شوند و به همدیگر تنه می‌زنند.

مسئولان باید با الگوگرفتن از پیشوایان دین و برنامه‌ریزی مناسب، غیرت دینی را در میان مردان جامعه اسلامی تقویت کرده و با این کار از رسیدن هر گونه آسیبی به نظام خانواده و اجتماع محافظت کنند؛ چراکه تقویت این عنصر کلیدی در مرد سبب می‌شود که اولاً از خانواده خویش مراقبت نماید که با ظاهری ناشایست و به دور از عفاف و حجاب در سطح جامعه ظاهر نشود و ثانیاً همچون حصاری زن و فرزند خود را در برابر افراد بیگانه محافظت نماید. قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (تحریم: ۶).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند.



این همان چیزی است که امام حسین ۷ تا پای جان بر سر آن ایستادگی کرد. ایشان هنگام حمله‌ور شدن لشکر دشمن به سمت خیمه‌ها و خانواده‌ها فرمودند:

وَيَحْكُمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أَخْرَاراً فِى دُنْيَاكُمْ هَذِهِ، وَارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَرَبًا كَمَا تَزْعُمُونَ (سید ابن طاوس، ۱۳۴۸: ۱۲۰).

وای بر شما، ای پیروان آل ابی سفیان، اگر دین ندارید و از حسابرسی روز قیامت نمی‌ترسید لااقل در دنیای خود آزاده باشید، و اگر خود را عرب می‌دانید به خلق و خوی عربی خویش پایبند باشید.

فردی از امام ۷ پرسید: پسر فاطمه چه می‌گویی؟ ایشان در پاسخ فرمود:

أَنَا الَّذِى أَقَاتِلُكُمْ، وَ تَقَاتِلُونِى، وَ النِّسَاءُ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ، فَاْمْنَعُوا عُتَاتِكُمْ وَ طُعَاتِكُمْ وَ جَهْلَكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِى مَا دُمْتُ حَيًّا (قمی، ۱۳۷۴: ۳۵۴).

من با شما جنگ دارم و شما با من، ولی زنان که گناهی ندارند، پس تا زمانی که زنده هستم، سپاهیان طغیان‌گر و نادان خود را از تعرّض به حرم من باز دارید.

۷-۳. هدایت فرد و جامعه به سوی قانون‌مداری

هدف از اجرای قانون، ایجاد نظم و انضباط، پیشگیری از هرج و مرج و فراهم کردن فضای امن و آرام برای شهروندان است. از این رو رهبران و حاکمان دینی همواره خود به رعایت قوانین پایبند بوده و دیگران را نیز بدان فرامی‌خواندند. امام خمینی علیه السلام فرمود:

اسلام، دین قانون است. پیغمبر هم خلاف قانون نمی‌توانست بکند، نمی‌کرد هم، البته نمی‌توانست هم بکند. خدا به پیغمبر می‌گوید که اگر یک حرف خلاف بزنی، رگ وتینت را قطع



می کنم. حکم قانون است. غیر از قانون الهی کسی حکومت ندارد. برای هیچ کس حکومت نیست، نه فقیه، و نه غیر فقیه، همه تحت قانون عمل می کنند. مجری قانون هستند همه، هم فقیه و هم غیر فقیه، همه مجری قانونند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۵۳).

به نظر می رسد که برخی از آسیب های وارده بر حوزه عفاف و حجاب، نبود قوانین دقیق و درست، و در پاره ای موارد عدم اجرای درست قوانین از سوی عوامل اجرایی و گاه آگاهی نداشتن افراد جامعه نسبت به برخی از قوانین و یا قانون گریزی برخی از افراد است. بنابراین باید اولاً از سوی نهادهای قانون گذار، قوانینی دقیق و مطابق با دستورات اسلامی وضع شده و همواره به روزرسانی شود و ثانیاً این قوانین از سوی نهادهای اجرایی، در سطح جامعه به درستی اعمال شود. برخی از مسئولان به بهانه اینکه موضوع عفاف و حجاب، امری فرهنگی است، از وضع قوانین و اجرای آن در سطح جامعه شانه خالی می کنند حال آن که کسی منکر تلاش فرهنگی برای نهادینه کردن مسئله عفاف و حجاب نیست، بلکه وضع قوانین و اجرای آن نیز در کنار کار فرهنگی باید مورد توجه باشد تا بدین طریق جلو افراد فرصت طلب، سودجو و بی توجه به مسائل فرهنگی و قوانین گرفته شود و از فساد و هرج و مرج در جامعه پیشگیری شود. از سوی دیگر برخی از مردم جامعه نسبت به برخی از قوانین عفاف و حجاب آگاهی نداشته و یا قانون گریزی می کنند که باید از طریق رسانه ها و مجاری اطلاع رسانی، قوانین عفاف و حجاب برای مردم شفاف و روشن گردد تا جلو جهل به قانون یا فرار از آن گرفته شود؛ مثلاً شاید برخی بر این باور باشند که به هر شکلی که تمایل دارند می توانند در سطح جامعه حاضر شده و پوشش امری کاملاً اختیاری است و هیچ مرجع قانونی، حق تذکر به آنان را ندارد حال آن که به لحاظ قانون، داشتن پوشش اسلامی امری الزامی بوده و به موجب ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی، زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.



۳-۸. آگاهی بخشی فردی و عمومی

آگاهی بخشی، اصلی مهم در پیشگیری از آسیب ها و معضلات اجتماعی به شمار می آید. امروزه جوامع اسلامی و به ویژه مردم کشور عزیزمان بیش از سایر زمان ها به این اصل کلیدی نیازمند هستند؛ زیرا جریان های معاند و شبکه های وابسته به استکبار با تمام توان دست به تهاجمی گسترده در حوزه فرهنگ زده و با این کار در صدد ضربه زدن و براندازی نظام جمهوری اسلامی برآمده اند. از این رو، مهم ترین دغدغه مسئولان و متولیان فرهنگی کشور باید آگاهی بخشی به مردم باشد. در این رابطه باید از پتانسیل مدارس، مساجد و منابر، رسانه، مطبوعات و سایر نهادهای فرهنگی نهایت بهره را برد. البته باید توجه داشت که آموزش و آگاهی بخشی در سنین پایین کارآمدی بیشتری داشته و سبب نهادینه شدن پوشش اسلامی در افراد می شود. همچنان که امام علی ۷ فرمودند:

قلب نوجوان چنان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود (سیدرضی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱: ۵۲۳).

بررسی های میدانی گویای این نکته اساسی است که کم توجهی یا بی توجهی برخی از بانوان نسبت به پوشش اسلامی ریشه در آگاهی نداشتن آنان نسبت به آسیب های زیان بار بدحجابی دارد. برخی از بانوان به درستی نمی دانند که نداشتن پوشش اسلامی پیامدهای اخروی ناگواری به دنبال داشته و زندگی دنیوی را نیز با چالش هایی چون افزایش آمار خشونت و جنایت علیه زنان، رواج فساد اخلاقی و افزایش روابط نامشروع، کاهش ازدواج، افزایش طلاق، کاهش میزان بازدهی کار و تحصیل، افزایش استرس و اضطراب و بالا رفتن مشکلات روحی و روانی و ... مواجه می کند. در جامعه کنونی، تأثیر آگاهی بخشی فردی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست و باید با بهره گیری از این اصل مهم جلو بسیاری از پیامدها و معضلات اجتماعی بدحجابی را گرفت.



۳-۹. فراهم کردن بسترهای تشکیل خانواده

تشویق جوانان به ازدواج و فراهم کردن بسترهای ازدواج برای آنان در کاهش بدحجابی تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا برخی از دختران، بدحجابی را ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به ازدواج می‌پندارند. آنان تصور می‌کنند که با این روش می‌توانند جوانان را به خود راغب کرده و با آنان زندگی مشترک تشکیل دهند. اما تحقیقات میدانی گویای این مطلب است که در موارد بسیاری چنین رفتاری به ازدواج منتهی نشده و در موارد منجر به ازدواج نیز، بی‌اعتمادی‌های پس از ازدواج، اختلافات زناشویی و در نهایت طلاق را به دنبال داشته است؛ زیرا جوان متدین و غیور دوست ندارد که همسرش در معرض دید دیگران بوده و ابزاری برای لذت جنسی آنان باشد. از این رو همواره به دنبال عقیف‌ترین دختران گشته و در ازدواج با آنان نهایت دقت را به کار می‌گیرد.

بنابراین اولاً مسئولان اجرایی کشور باید زمینه ازدواج آسان را برای جوانان فراهم کنند و ثانیاً مردم نیز باید از بسیاری از آداب و رسوم بی‌پایه و دست و پاگیر پرهیز کنند تا جوانان راحت‌تر به هم رسیده و ازدواج کنند. اجرای این امر در سطح جامعه به طور حتم جلو بسیاری از آسیب‌های عفاف و حجاب را خواهد گرفت.

۳-۱۰. پرورش باورهای دینی

باور به آموزه‌های دینی، کلید دوری از لغزش، تردید و سردرگمی است. چنین باوری به زندگی انسان جهت داده و هدفی روشن در برابر او ترسیم می‌کند. باور به اینکه پروردگار شاهد اعمال انسان بوده و بر خلوتگاه او نیز نظارت دارد، رفتار انسان را تحت تأثیر قرار داده و او را به سوی خودمراقبتی پیش می‌برد. خدای متعال می‌فرماید:

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (علق: ۱۴).



آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می‌بیند؟

توجه به این واقعیت که عالم پیشگاه خدا بوده و اعمال و حتی نیت انسان از او پنهان نیست، می‌تواند روی برنامه زندگی انسان اثرگذار بوده و او را از خلافاکاری‌ها باز دارد، مشروط بر اینکه ایمان به این مطلب واقعاً در دل او جای گیرد و به صورت یک باور قطعی در آید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۱۶۷). رسول خدا ۹۱ فرمودند:

اعْبُدِ اللَّهَ أَنْكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۲۵).

خدا را آن چنان عبادت کن که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را به خوبی می‌بیند.

بنابراین جوانی که از عمق جان به خدای متعال باور داشته و خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود می‌داند، از انجام رفتارهای غیر اخلاقی و جلوه‌گری و عشوهری در مجامع عمومی پرهیز خواهد کرد. امام علی ۷ حیا و عفت را از ویژگی‌های ایمان دانسته و فرمود:

إِنَّ الْحَيَاءَ وَالْعِفَّةَ مِنْ خَلَائِقِ الْإِيمَانِ وَ إِنَّهُمَا لَسَجِيَّةُ الْأَخْرَارِ وَ شِيَمَةُ الْأَبْرَارِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۷).

به درستی که حیا و عفت از ویژگی‌های ایمان است و این دو از خصلت‌های انسان‌های آزاده و علامت انسان‌های خوب می‌باشد.

آموزه‌های اسلامی دارای مصادیق فراوان از افرادی است که ایمان آنان سبب تقویت عنصر عفت و حیا در آنان شد که از جمله آنان می‌توان به حضرت یوسف ۷ اشاره کرد. با دقت در داستان یوسف ۷ درمی‌یابیم که او به جز اصل توحید و ایمان به خدا، هیچ ابزاری برای جلوگیری از نفسش نداشت. او با ایمان راسخ به پروردگار توانست در آن شرایط و موقعیت حسّاس و



خطرناک، ثبات قدم خود را حفظ کرده و در برابر هوای نفسش ایستادگی کند. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید:

وَ رَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقَتْ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ * وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (يوسف: ۲۳-۲۴).

و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد درها را بست و گفت: «بیا (بسوی آنچه برای تو مهیاست)» (یوسف) گفت: «پناه می‌برم به خدا، او [عزیز مصر] صاحب نعمت من است مقام مرا گرامی داشته (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟) مسلماً ظالمان رستگار نمی‌شوند.

یوسف ۷ که تمامی شرایط برایش فراهم بود، در برابر دعوت آن زن زیبای افسونگر به خدا پناه برده و می‌گوید: «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ». روزی مأمون معنای آیه «وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا ...» را از امام رضا ۷ پرسید. امام ۷ در پاسخ او فرمودند:

لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ لَهَمَّ بِهَا كَمَا هَمَّتْ بِهِ لَكِنَّهُ كَانَ مَعْصُومًا وَ الْمَعْصُومُ لَا يَهْمُ بِذَنْبٍ وَ لَا يَأْتِيهِ (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۰۱).

زلیخا قصد یوسف را کرد و یوسف هم اگر برهان پروردگارش را ندیده بود هر آینه قصد او را می‌کرد، همان طور که او قصد یوسف را کرد، اما یوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمی‌کند و نزد آن نمی‌رود.

بنابراین نقش باورهای دینی در مبارزه با آسیب بدحجابی و معضل بی‌عفتی غیرقابل انکار بوده و مسئولان جامعه اسلامی باید همواره بکوشند تا باورهای دینی را در سطح جامعه تقویت کنند و



مردم نیز باید پیوسته تلاش کنند تا این عنصر کلیدی را در خود رشد داده و به شکوفایی برسانند و با تمسک به آن در برابر هواهای نفسانی ایستادگی نمایند.

نتیجه گیری

پوشش، مسئله مهمی است که سال ها ذهن نظریه پردازان را به خود معطوف کرده است. در این میان اندیشمندان کشورمان همواره به دنبال راهکاری برای تقویت پوشش اسلامی و نیز به حداقل رساندن آسیب های بدحجابی بوده و هستند. بررسی ها نشان می دهد که در مواجهه با پدیده بدحجابی از دیدگاه اسلام راهکارهایی عملی وجود دارد که با بهره گیری از آن می توان پوشش را در سطح جامعه بهبود بخشیده و آسیب های اجتماعی را کاهش داد. راهکارهایی که برخی از آن ها عبارتند از: بهره گیری از تکنیک اصلاح دیدگاه، بهره گیری از روش الگویی، خودکنترلی حس جلوه گری و خودنمایی، حرکت بر دایره و محوریت حیا، پرورش عفت و حیا، نهادینه شدن غیرت دینی، آگاهی بخشی فردی و عمومی، فراهم کردن بسترهای تشکیل خانواده و پرورش باورهای دینی.



منابع و مأخذ

قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

ابن ابی الحديد معتزلی (۱۴۰۴ق). **شرح نهج البلاغه**، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۴). **من لا یحضره الفقیه**، قم، جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۸). **عیون أخبار الرضا ۷**، تهران، جهان.

ابن مسکویه (۱۳۸۱). **تهذیب الاخلاق**، تهران، اساطیر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**، بیروت، دار صادر.

إربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). **کشف الغمّه**، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.

انوری، حسن (۱۳۹۰). **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران، انتشارات سخن.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). **المحاسن**، دار الکتب الإسلامیة، قم.

تمیمی آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶). **غرر الحکم و درر الکلم**، قم، دفتر تبلیغات.

خمینی، روح الله موسوی (۱۳۶۱). **صحیفه نور**، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

خمینی، روح الله موسوی (۱۳۷۸). **صحیفه امام**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.



دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). **لغت نامه**، تهران، دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم.

راوندی، سید فضل الله (بی تا). **النوادر**، قم، مؤسسه دارالکتاب.

سید ابن طاوس، علی بن موسی (۱۳۴۸). **اللهوف علی قتلی الطفوف**، تهران، جهان.

شعیری، تاج الدین محمد بن محمد (۱۴۰۵ق). **جامع الأخبار**، قم، رضی.

صدر حاج سید جوادی، احمد و خرمشاهی، بهاءالدین و فانی، کامران (۱۳۸۴). **دایره المعارف تشیع**، تهران، شهید سعید محبی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). **الاحتجاج**، مشهد، مرتضی.

طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**، تهران، مرتضوی.

طوسی، نصیرالدین (۱۳۶۴). **اخلاق ناصری**، تهران، خوارزمی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). **الأمالی**، قم، دارالثقافة.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). **کتاب العین**، قم، هجرت.



فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۸۳). *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

قمی، عباس (۱۳۷۴). *نفس الهموم*، تهران، اسلامیة.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*، دارالکتاب، قم.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، تهران، اسلامیة.

مرتضی، مطهری (۱۳۶۵). *مسئله حجاب*، قم، صدرا.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الأمالی*، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام علی ابن ابیطالب ۷.

نراقی، مهدی (۱۹۶۷م). *جامع السعادات*، مصحح محمد کلانتر، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

همفر (۱۳۶۱). *خاطرات مستر همفر*، تهران، بی جا.

سایت .khamenei.ir

سایت .www.dustaan.com



جهت همکاری با بنیاد علمی قانون یار در راستای برگزاری سمینار، کارگاه های آموزشی، کنگره و نشست های علمی با موسسه تماس بگیرید ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ مدیر پژوهش ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

6th scientific conference of Ghanonyar Institute at the national level

ششمین همایش ملی جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان در جامعه

**مشاره ۲۴ ساعت به پژوهشگران
در خصوص نگارش و ارسال مقالات
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵**

مخبرهای پذیرش مقالات پژوهشگران:

- ۱- پژوهش های مربوطه در حوزه پیشگیری از ارتکاب جرم و خودکشی
- ۲- شناخت علل و عوامل انحرافات جوانان در جامعه و ارائه راهکار عملی
- ۳- بررسی لزوم رعایت حجاب و آثار و پیامدهای آن در جامعه
- ۴- راهکارهای مبارزه با فقر، بی حجابی و فساد، اعتیاد، طلاق و
- ۵- پژوهش های مربوطه در راستای عدالت کیفری و عدالت ترمیمی
- ۶- تاثیر کیفر و مجازات در تکرار جرم و دستیابی به جامعه ای سالم
- ۷- شناسایی معضلات و اسباب های اجتماعی و ارائه راهکار حل مشکل

ایمیل همایش برای ارسال مقالات LOLOMENSANI@YAHOO.COM	رئیس علمی و مسئول همایش دکتر بهنام اسدی
مدیر هیأت سیاستگذاری همایش دکتر سیدمصطفی حسینی	ارسال مقاله از طریق پیام رسان ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۰۲
شماره تماس های دبیرخانه همایش ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶	مکان و زمان برگزاری همایش ۲۹ آذر- سالن همایش سازمان ارشاد پروچرد

لوگو حامیان معنوی و برگزار کنندگان همایش

ششمین همایش جرم شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان (نهاد برگزار کننده: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار) - پروچرد- ۱۳۰۸